



ارزش‌های فردی خودافزایی و محافظه‌کاری و فرهنگ مالیاتی

دکتر زهرا معصومی بیلندی

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

دکتر نسرین یوسف‌زاده^۱

استادیار حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران

(تاریخ دریافت: ۳ دی ۱۴۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۹ خرداد ۱۴۰۴)

رفتارهای مالیاتی غیراخلاقی، پایداری نظام مالیاتی را کاهش می‌دهد و درک عمیق‌تر عواملی که بر ادراک مؤدیان مالیاتی، ارزش‌های شخصی و فرهنگ مالیاتی شخصی تأثیر می‌گذارد، امری ضروری است. هدف پژوهش حاضر، واکاوی رابطه بین ارزش‌های فردی خودافزایی و محافظه‌کاری با فرهنگ مالیاتی به عنوان سنگ بنای رفتار مالیاتی است. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۶۸ نفر از مدیران مالی و کارکنان حسابداری شاغل در بخش خصوصی استان خوزستان در سال ۱۴۰۳ است که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد، افرادی که ارزش بیشتری برای خودافزایی قائل هستند، فرهنگ مالیاتی شخصی پایین‌تری (ضعیف‌تری) دارند. همچنین افرادی که ارزش‌های بیشتری برای محافظه‌کاری قائل هستند، فرهنگ مالیاتی بالاتری دارند. افرادی که ارزش شخصی غالب آن‌ها خودافزایی است تمایل بیشتری به فرار مالیاتی دارند و نگرش آن‌ها نسبت به نظام مالیاتی منفی است. همچنین افرادی که ارزش شخصی غالب آن‌ها محافظه‌کاری است، تمایل کمتری به فرار مالیاتی دارند و رفتار آن‌ها عمدتاً مطابق با قوانین مالیاتی است. یافته‌های این پژوهش به شکل‌گیری نظام‌های مالیاتی پایدار مبتنی بر درک بهتر روابط بین ارزش‌های مختلف کمک می‌کند. با درک روابط بین ارزش‌های شخصی و فرهنگی مالیاتی افراد، سیاست‌گذاران می‌توانند به نظام مالیاتی پایداری دست یابند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ مالیاتی، ارزش‌های فردی، خودافزایی، محافظه‌کاری.

^۱ n.yousefzadeh@vru.ac.ir

مقدمه

برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار، پرداخت مالیات با هدف مشارکت در جامعه ضروری است [۹]. بسیاری از کالاها و خدمات عمومی، از جمله آموزش، خدمات درمانی، امنیت اجتماعی و ... از طریق مالیات تأمین می‌شوند. با توجه به این‌که مالیات از منابع مهم درآمد دولت به شمار می‌رود، بنابراین، ثبات و تداوم وصول مالیات، موجب ثبات در برنامه‌ریزی دولت برای ارائه خدمات مورد نیاز کشور در زمینه‌های گوناگون می‌شود و برای دولت‌ها، درآمدهای مالیاتی جهت اطمینان از عملکرد خوب کشور ضروری است [۲۳]. با توجه به این‌که رفتارهای غیراخلاقی مالیاتی چه از سوی شرکت‌ها و چه از سوی اشخاص، پایداری نظام مالیاتی را کاهش می‌دهد [۱۳]. بنابراین، پایداری نیازمند تغییراتی در رفتار مالیاتی اشخاص و شرکت‌ها است و از این منظر، بررسی رفتار مصرف‌کنندگان و افراد [۱۵] اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

تمایل به پرداخت مالیات به عوامل متعددی بستگی دارد که توجه اقتصاددانان در این حوزه، بیشتر معطوف به عوامل اقتصادی است. از رویکرد روانشناختی، متغیرهای درونی نظیر ارزش‌های فردی، نگرش افراد نسبت به دولت و وضع مالیات و تمایلات انگیزشی نیز به اندازه عوامل اقتصادی در این حوزه حائز اهمیت است [۱۰]. هر فردی از مجموعه‌ای از ارزش‌های فردی مختلف شکل می‌گیرد و این ارزش‌ها بین افراد بر اساس سطح اهمیتی که ایشان برای هر ارزش قائل است، متفاوت است [۵]. ارزش‌ها را می‌توان به عنوان یک سازه روانشناختی یا ابزاری برای درک رفتار انسان در نظر گرفت [۲۴]. به بیان دقیق‌تر، رفتار یک فرد نتیجه ارزش‌های فردی وی بوده و ارزش‌ها تأثیر متفاوتی بر رفتار فرد دارند [۵] و فرهنگ را شکل می‌دهد. فرهنگ مالیاتی فردی از فرهنگ مالیاتی در سطح کلان نشأت می‌گیرد و می‌توان آن را به عنوان ارزش‌های فرهنگی مالیاتی افراد تعریف کرد که بر نگرش فرد نسبت به نظام مالیاتی، نگرش او نسبت به تمکین مالیاتی و نگرش او نسبت به اخلاق فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارد و آن را شکل می‌دهد [۷]. از این‌رو، انتظار می‌رود که موفقیت در اخذ مالیات به طرز فکر مردم بستگی داشته باشد [۱۶] و نگرش‌های شخصی و ارزش‌های فردی نسبت به پرداخت مالیات، جهت وصول مالیات به شیوه‌ای صحیح و منصفانه بسیار حیاتی باشد [۹].

پایداری نظام مالیاتی را می‌توان از طریق مشوق‌های مبتنی بر اخلاق مالیاتی به عنوان ابزاری برای سیاست‌گذاری در سازمان‌ها افزایش داد [۱۳]. بنابراین، اگر رابطه‌ای بین فرهنگ مالیاتی شخصی (تمکین مالیاتی، اخلاق مالیاتی، نظام مالیاتی) و ارزش‌های فردی نظیر خودآزمایی و محافظه‌کاری وجود داشته باشد و این رابطه اخلاقی نباشد، می‌توان سیاست‌گذاران را از آن آگاه نمود و ابزارها و تدابیر مختلفی را برای اخلاقی‌تر شدن فرهنگ مالیاتی فردی و ارزش‌های فردی به کار گرفت. در کوتاه‌مدت، بهبود اخلاق مالیاتی از طریق رویکردهای اقتصادی رفتاری قابل تحقق است [۹]. بنابراین، درک عمیق‌تر عواملی که بر ادراک مؤدیان از نظام مالیاتی تأثیر می‌گذارد، ضروری است. هدف پژوهش حاضر آشکارسازی ارزش‌های فردی و ارزش‌های فرهنگ مالیاتی فردی و همچنین بررسی عمیق‌تر این موضوع

است که آیا رابطه‌ای بین آن‌ها وجود دارد که بتواند توسط سیاست‌گذاران در هنگام ایجاد نظام‌های مالیاتی اخلاقی‌تر و پایدار تحت تأثیر قرار گیرد.

علی‌رغم اهمیت ارزش‌های فردی و فرهنگ مالیاتی بر وصول مالیات، تاکنون پژوهش‌های داخلی اندکی در ارتباط با این موضوع صورت گرفته است از جمله خواجه‌وی و کرمشاهی (۱۳۹۷) به بررسی پدیدارشناسی نقش نگرش فردی بر اخلاق مالیاتی و تمکین مالیاتی پرداختند [۱]. همچنین فولادیان و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ مالیاتی و راهکارهای ارتقای آن پرداختند [۴]. بنظر می‌رسد تاکنون پژوهشی که به طور اختصاصی به واکاوی رابطه بین ارزش‌های شخصی و فرهنگ مالیاتی پرداخته باشد در ایران انجام نشده است. پژوهش حاضر از دو جهت دارای نوآوری است و به توسعه دانش در این حوزه کمک می‌کند. نخست این‌که اکثر مطالعات، فرهنگ مالیاتی و ارزش‌های شخصی فرد را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داده‌اند، در حالی که در پژوهش حاضر، همه مفاهیم در یک مدل ادغام شده است. همچنین یافته‌های این پژوهش با ارائه دانش جدید و مرتبط در رابطه با فرهنگ مالیاتی فردی و ارزش‌های فردی می‌تواند به شکل‌گیری نظام‌های مالیاتی پایدار مبتنی بر درک بهتر روابط بین ارزش‌های مختلف کمک کند و از این جهت جامعه علمی را منتفع خواهد ساخت. دوم این‌که یافته‌های این پژوهش، می‌تواند برای سیاست‌گذاران در تدوین سیاست‌های ملی و اتخاذ تدابیر حمایتی از توسعه نظام مالیاتی پایدار، به‌ویژه بخش نهادی ارکان اساسی کشور که به ارزش‌ها و تقویت انگیزه‌های اخلاقی مالیاتی اشاره دارد، مفید باشد.

در ادامه مقاله، نخست به مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود، سپس روش پژوهش و یافته‌های پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد و در انتها بحث و نتیجه‌گیری پژوهش ارائه می‌شود.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

نظریه انگیزشی شوارتز^۱ (۱۹۹۲) نظام ارزشی را به دو بخش فردگرایانه و جمع‌گرایانه طبقه‌بندی کرده است و انگیزه‌های زیربنایی مرتبط با غیراخلاقی بودن را بررسی نموده است. بر اساس نظریه شوارتز (۱۹۹۲)، سازه‌های ارزشی موفقیت، قدرت، لذت‌گرایی، انگیزش و خودفرمانی عمدتاً منافع فردی را تأمین می‌کند و از نوع دوستی، جهان‌شمولی، سنت‌گرایی، امنیت و سازگاری به عنوان ارزش‌های انگیزشی متمرکز بر منافع جمع یاد می‌شود. شوارتز (۱۹۹۲) پیشنهاد می‌کند که با افزایش فاصله از ارزش‌های مذکور، تضادها و ناهنجاری‌های رفتاری افزایش می‌یابد و ارزش‌های فردی و ساختار دایره‌ای کلی آن‌ها با غیراخلاقی بودن ارتباط معنادار داشته و آن را پیش‌بینی می‌کنند [۲۶]. همچنین بیان می‌دارد که غیراخلاقی بودن با ارزش‌های خودافزایی ارتباط مثبت و با ارزش‌های محافظه‌کارانه ارتباط منفی دارد [۸].

ارزش‌های فردی نقش کلیدی در انگیزه فرد برای رفتار اخلاقی یا غیراخلاقی ایفا می‌نماید [۸، ۲۶]. ارزش‌هایی که منافع مدیران را در اولویت قرار می‌دهد از پایبندی آنها بر اخلاق حرفه‌ای می‌کاهد.

¹ Schwartz

همچنین پایبندی مدیران به اخلاق حرفه‌ای به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رفتار متقلبانانه تاثیر منفی دارد و ارزش‌های انگیزشی شوارتز که مشتمل بر عام‌گرایی، خیرخواهی، انطباق، سنت‌گرایی و واقعیت‌طلبی است، با قصد متقلبانانه مدیران در زمان تهیه صورت‌های مالی، در تضاد است و مدیران که به ارزش‌های جمع‌گرایانه پایبند هستند، از ارتکاب به تقلب در صورت‌های مالی اجتناب می‌ورزند [۳].

ارزش‌ها تاثیر متفاوتی بر رفتار فرد دارند [۵] و فرهنگ را شکل می‌دهد. فرهنگ به عنوان برنامه‌ریزی ذهنی جمعی شناخته می‌شود که یک گروه را از گروه دیگر متمایز می‌کند [۱۱] و به صورت رفتار فردی ظاهر می‌شود، به گونه‌ای که در میان گروه خاصی از افراد مشترک است، اما برای همه افراد صدق نمی‌کند [۱۲]. معنای فرهنگ مالیاتی با سایر اصطلاحات مالیاتی مانند اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، تمکین مالیاتی و اخلاق مالیاتی ارتباط نزدیکی دارد. این مفهوم شامل تمام پدیده‌های ناشی از رابطه بین مؤدیان مالیاتی و مأموران مالیات در نظام مالیاتی به صورت نمادها، علائم و سیاست‌های مالیاتی است که نظام مالیاتی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، تمکین مالیاتی، اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی زیرمجموعه‌ای از فرهنگ مالیاتی هستند [۷]. فرهنگ مالیاتی شخصی در سطح فردی از فرهنگ مالیاتی در سطح کلان نشأت می‌گیرد. در سطح خرد، که موضوع پژوهش حاضر است، فرهنگ مالیاتی شخصی به عنوان ارزش‌های فرهنگی مرتبط با مالیات فرد تعریف می‌شود که بر نگرش فرد نسبت به نظام مالیاتی، نگرش او نسبت به تمکین مالیاتی و نگرش او نسبت به اخلاق فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارد و آن را شکل می‌دهد. بر اساس این تعریف، فرهنگ مالیاتی فردی در مدل مفهومی با استفاده از سه بعد آن شامل تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و نظام مالیاتی مورد سنجش قرار می‌گیرد.

عدم تمکین مالیاتی به عنوان اولین رکن فرهنگ مالیات شخصی، یکی از چالش‌های مهم سیاست‌گذاری عمومی است. تمکین مالیاتی را می‌توان بر اساس دو بعد اصلی شامل اعتماد به مقامات و قدرت مقامات تبیین نمود. اعتماد به این عقیده کلی اشاره دارد که مقامات مالیاتی خیرخواهانه عمل می‌کنند و به دنبال تأمین منافع عمومی جامعه هستند، در حالی که قدرت مقامات شامل درک مؤدیان مالیاتی در رابطه با توانایی مأموران مالیات برای کشف و مجازات فرار مالیاتی است. افزایش اعتماد به مقامات منجر به رعایت داوطلبانه مالیات می‌شود، در حالی که افزایش قدرت مقامات، رعایت اجباری را به دنبال دارد. [۶]. پالیل (۲۰۱۰) رفتار تمکین مالیاتی افراد را با استفاده از پنج عامل شامل عوامل اقتصادی، نهادی، اجتماعی، فردی و سایر عوامل اندازه‌گیری نمود [۲۱].

دومین رکن مهم فرهنگ مالیات شخصی، فرار مالیاتی است. فرار مالیاتی، نقض مقررات و قوانین حقوقی است به دلیل آن که افراد (مؤدیان مالیاتی) به طور منطقی فکر می‌کنند که باید از پرداخت مالیات سود ببرند [۱۷]. فرار مالیاتی یکی از بغرنج‌ترین و جدی‌ترین مسائل برای دولت‌ها است. هر وضعیتی از عدم تمکین که منجر به عدول از تکالیف مالیاتی، قانونی اشخاص حقیقی و حقوقی گردد، فرار مالیاتی به حساب می‌آید [۲]. علاوه بر عوامل اقتصادی و جمعیت‌شناختی، عوامل رفتاری به طور فزاینده‌ای برای

سنجش فرار مالیاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد [۹]. مک‌گی (۲۰۱۲) نگرش فرد نسبت به اخلاق فرار مالیاتی را از طریق منشوری شامل چهار بعد نگرش فرد نسبت به دولت، رابطه بین فرد و مسئولان امور مالیات، نگرش فرد نسبت به دین و وظیفه پرداخت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد [۱۸]. به طور کلی، دو نوع نگرش نسبت به فرار مالیاتی وجود دارد: (۱) فرار مالیاتی عدالت سیستم که ناشی از درک بی‌عدالتی در سیستم مالیاتی است و (۲) فرار مالیاتی به خاطر منافع شخصی که عملی خودخواهانه ناشی از تمایل به حداکثر کردن منافع شخصی است [۱۴].

سومین رکن اصلی فرهنگ مالیات شخصی، نظام مالیاتی یا نگرش فرد نسبت به سیستم مالیاتی است. «وضعیت‌های انگیزشی^۱» بیانگر راه‌هایی است که در آن افراد خود را در رابطه با مراجع نظارتی مالیاتی قرار می‌دهند و آمادگی درونی برای رفتارهای همراه با تمکین یا عدم تمکین از قوانین مالیاتی را نشان می‌دهند [۹]. بریثویت (۲۰۰۱) پنج موقعیت و وضعیت انگیزشی را در زمینه‌ی مالیات شناسایی نمود که شامل تعهد، تسلیم، مقاومت، کناره‌گیری و بازیگری است. موضع‌گیری‌های انگیزشی نسبت به مقامات مالیاتی، سطح اعتماد افراد و دیدگاه‌های آن‌ها درباره قدرت، عدالت و مشروعیت مقامات مالیاتی و نگرش آنان را نسبت به نظام مالیاتی مشخص می‌کند. جهت‌گیری کلی مثبت نسبت به متصدیان، نشان‌دهنده تعهد و تسلیم است. اگر یک مؤدی مالیاتی، وضعیت تعهد را نسبت به نظام مالیاتی اتخاذ کند، به این معناست که او احساس وظیفه اخلاقی برای پرداخت مالیات خود با رضایت کامل دارد، زیرا بر این باور است که پرداخت مالیات در نهایت به نفع همه است؛ حتی اگر از سیستم مالیاتی راضی نباشد، پرداخت مالیات را بخشی از زندگی می‌داند [۲۰]. نظام مالیاتی به عنوان ربنایی که سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت را مشخص می‌کند، در مفهوم توسعه پایدار جای می‌گیرد [۱۶]. برخلاف این مواضع، سه حالت انگیزشی مقاومت، کناره‌گیری و بازیگری نشان‌دهنده تردید نسبت به نیت خیرخواهانه مقامات مالیاتی نسبت به کسانی است که بر آن‌ها سلطه دارند. مقاومت نشان‌دهنده تردید در مورد نیت مقامات مالیاتی برای رفتار مشارکتی و خیرخواهانه با افرادی است که در زندگی واقعی بر آن‌ها سلطه دارد. وضعیت عدم تعامل (کناره‌گیری) نیز مقاومت را منتقل می‌کند، اما در این حالت، افراد از به چالش کشیدن مقامات فراتر رفته‌اند و به نادرست بودن کاری که انجام می‌دهند اهمیتی نمی‌دهند. اگر آن‌ها مالیات خود را پرداخت نکنند، مقامات مالیاتی نمی‌توانند کاری برای آن‌ها انجام دهند. بازیگران از بازی پیدا کردن مناطق خاکستری قانون مالیات و چالش به حداقل رساندن مالیات لذت می‌برند [۲۰].

ارزش‌های خودافزایی بر ارتقای خود نسبت به دیگران تأکید می‌نماید و شامل ارزش‌های شخصی قدرت، موفقیت و گاهی اوقات لذت‌گرایی می‌شوند [۲۸، ۸]. ارزش‌های قدرت، اهمیت و دستیابی به کنترل یا سلطه بر منابع و دیگران را بیان می‌کند، در حالی که ارزش‌های موفقیت، دستیابی به موفقیت شخصی را طبق استانداردهای اجتماعی در یک محیط رقابتی برجسته می‌کنند [۲۸]. ادبیات اخلاق رفتاری نشان داده است که مفاهیم قدرت، ثروت و دستیابی به اهداف موفقیت منجر به رفتار غیراخلاقی بالاتر

¹ Motivational postures

می‌شود. بر اساس این یافته‌ها، ارزش‌های خودافزایی، سطح بالای غیراخلاقی بودن را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، انتظار می‌رود ارزش‌های خودافزایی منجر به فرار مالیاتی غیراخلاقی و رفتارهای غیرقانونی مالیاتی شود [۸]. پیف^۱ و همکاران (۲۰۱۲) نیز دریافتند که افراد با طبقات اجتماعی بالاتر نسبت به افراد طبقات پایین‌تر، رفتارهای غیراخلاقی بیشتری از خود نشان می‌دهند، زیرا استقلال نسبی و حریم خصوصی بیشتر در مشاغل آن‌ها ممکن است منجر به محدودیت‌های ساختاری کمتر و درک کاهش یافته از ریسک مرتبط با اقدامات غیراخلاقی شود [۲۲]. با توجه به این‌که ارزش‌های خودافزایی در میان ارزش‌های بسیار غیراخلاقی قرار دارند، انتظار می‌رود این افراد تمایل بیشتری به فرار مالیاتی داشته باشند، به طوری که رفتار آن‌ها بیشتر در جهت عدم تمکین مالیاتی باشد تا رفتار مطابق با قانون. همچنین انتظار می‌رود نگرش آن‌ها نسبت به نظام مالیاتی منفی باشد. با توجه به مباحث فوق، فرضیه اول پژوهش و فرضیه‌های فرعی آن به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه ۱: بین ارزش‌های خودافزایی و فرهنگ مالیاتی فردی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه ۱-۱: بین ارزش‌های خودافزایی و نگرش فرد نسبت به نظام مالیاتی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

فرضیه ۱-۲: بین ارزش‌های خودافزایی و نگرش فرد نسبت به اخلاق فرار مالیاتی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

فرضیه ۱-۳: ارزش‌های خودافزایی و رفتار تمکین مالیاتی فردی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. از سوی دیگر، فلدمن و همکاران (۲۰۱۵) بیان می‌دارند که ارزش‌های محافظه‌کاری می‌تواند موجب تقویت خودکنترلی گردد، در نهایت خودکنترلی، رفتارهای غیراخلاقی را کاهش می‌دهد. ساروگلو^۲ و همکاران (۲۰۰۴) معتقدند که افراد مذهبی تمایل به ارزش‌هایی دارند که حفاظت از نظم اجتماعی و فردی را ترویج می‌دهد و از ارزش‌هایی اجتناب می‌نمایند که خودافزایی را ترویج می‌کنند [۲۵]. علاوه بر این، ارزش‌های محافظه‌کارانه ممکن است با افزایش توجه به هنجارهای رایج و مجازات‌های احتمالی برای زیر پا گذاشتن قوانین، و همچنین افزایش انگیزه برای تعلق داشتن به گروه‌های اجتماعی و در نتیجه پایبندی به هنجارهای تعیین شده توسط آن‌ها، رفتارهای ضداجتماعی را محدود کند [۲۷، ۲۸]. ارزش‌های محافظه‌کاری که شامل سنت‌گرایی، امنیت و سازگاری است، رفتار فرد را مطابق با انتظارات و انگیزه برای نظم و انضباط شخصی شکل می‌دهد و بیانگر غلبه فرد بر تمایلات آنی وی است. ارزش شخصی محافظه‌کاری به ارزش‌های اخلاقی بالا تعلق دارد. بر این اساس، انتظار می‌رود که افرادی که درک بالاتری از محافظه‌کاری دارند، از لحاظ فرار مالیاتی اخلاق‌گراتر عمل نمایند. رفتار مالیاتی آن‌ها سازگارتر بوده و فرهنگ مالیاتی شخصی بهتری را توسعه دهند [۸]. از این رو، محافظه‌کاری با پایین بودن سطح رفتارهای غیراخلاقی مرتبط است، زیرا شامل تسلیم در برابر قوانین و انتظارات اجتماعی

¹ Piff

² Saroglou

است [۲۷،۸]. از آنجایی که هسته‌ی اصلی باورهای شخصی محافظه‌کاری، سطح پایینی از غیراخلاقی بودن را نشان می‌دهد، انتظار می‌رود که افراد محافظه‌کار تمایل کمتری به فرار مالیاتی داشته باشند و رفتار آن‌ها عمدتاً مطابق با قوانین مالیاتی باشد و نگرش آن‌ها نسبت به نظام مالیاتی مثبت باشد و برداشت آن‌ها از عدالت نظام مالیاتی ایران، بیشتر به سمت عادلانه بودن گرایش داشته باشد. با توجه به استدلال‌های ارائه شده در بالا، فرضیه دوم پژوهش و فرضیه‌های فرعی آن به صورت زیر مطرح می‌شود:

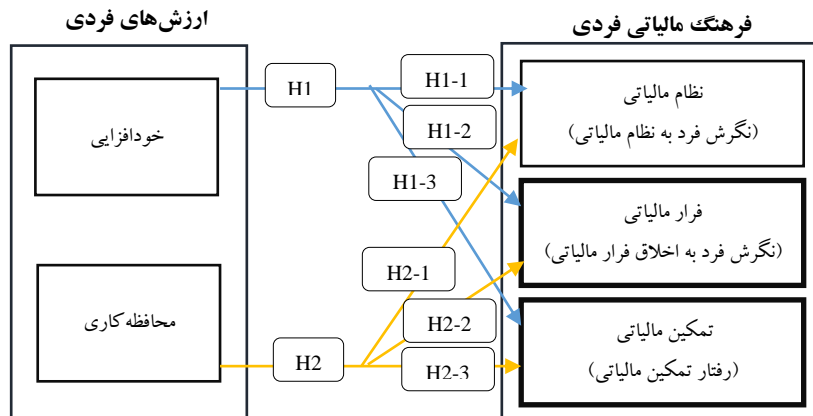
فرضیه ۲: بین ارزش‌های محافظه‌کاری و فرهنگ مالیاتی فردی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه ۲-۱: بین ارزش‌های محافظه‌کاری و نگرش فرد نسبت به نظام مالیاتی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

فرضیه ۲-۲: بین ارزش‌های محافظه‌کاری و نگرش فرد نسبت به اخلاق فرار مالیاتی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

فرضیه ۲-۳: بین ارزش‌های محافظه‌کاری و رفتار تمکین مالیاتی فردی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

با توجه به مبانی نظری بیان شده در خصوص نظریه ارزش‌های انگیزشی شوارتز و فرهنگ مالیاتی فردی، مدل مفهومی پژوهش حاضر در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل (۱). مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع پژوهش کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع پیمایشی است. داده‌های موردنیاز جهت تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه ارزش‌های فردی شوارتز (۱۹۹۲)، پرسش‌نامه نظام مالیاتی مورفی و بینگ (۲۰۰۲)، پرسش‌نامه فرار

مالیاتی مکی و نوروها (۲۰۰۸) [۱۹] و پرسش‌نامه تمکین مالیاتی پالیل (۲۰۱۰) در سال ۱۴۰۳ در استان خوزستان، گردآوری شد. پرسش‌نامه حاوی ۵۵ سوال بوده و از نوع لیکرت پنج گزینه‌ای است به طوری که سوالات شماره ۱ تا ۱۲ برای سنجش ارزش‌های فردی پاسخ‌دهندگان، سوالات شماره ۱۳ تا ۲۶ برای سنجش نگرش فرار مالیاتی، سوالات شماره ۲۷ تا ۴۰ برای سنجش رفتار تمکین مالیاتی و سوالات ۴۱ تا ۵۵ جهت سنجش نگرش پاسخ‌دهندگان به نظام مالیاتی مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران مالی و حسابداران شاغل در بخش خصوصی استان خوزستان می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه آماری از فرمول کوکران در سطح خطای ۰/۱۰ استفاده شده و بر این اساس حجم نمونه ۱۷۰ نفر تعیین شده است. با توجه به عدم برگشت برخی از پرسش‌نامه‌ها، تعداد ۳۵۰ پرسش‌نامه توزیع گردید که ۲۱۰ پرسش‌نامه بازگشت داده شد و پس از حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، تعداد ۱۶۸ پرسش‌نامه مورد استفاده قرار گرفت و با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار Smart-PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش از دو روش روایی محتوا و سازه استفاده شده است. روایی محتوایی این پژوهش با بهره‌گیری از نظرات سه نفر از اساتید دانشگاهی رشته حسابداری و دارای سابقه تدریس و تجربه در حوزه امور مالیاتی و همچنین یک مدیر امور مالیاتی و یک مدیر حسابرسی مالیاتی مورد ارزیابی قرار گرفته است و پس از اعمال نظرات ایشان، پرسش‌نامه نهایی تدوین گردید. برای ارزیابی روایی سازه از شاخص میانگین استخراج شده به عنوان روایی همگرا و شاخص فورنل لارکر به عنوان روایی واگرا استفاده شده است. در پژوهش حاضر، در راستای برازش مدل‌های اندازه‌گیری از شاخص‌های بارعاملی شاخص‌ها، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای بررسی پایایی پژوهش بهره گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که از بین ۱۶۸ نفر مشارکت‌کننده، ۱۰۵ نفر (۶۲/۵ درصد) مرد و ۶۳ نفر (۳۷/۵ درصد) زن بوده‌اند. همچنین از این تعداد ۴۰ نفر (۲۳/۸۱ درصد) دارای سن کمتر از ۳۱ سال، ۷۲ نفر (۴۲/۸۶ درصد) دارای سن ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴۵ نفر (۲۶/۷۹ درصد) دارای سن ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۱ نفر (۶/۵۵ درصد) دارای سن ۵۱ تا ۶۰ سال بوده‌اند. از نظر مدرک تحصیلی نیز ۱۱۵ نفر (۶۸/۴۵ درصد) کارشناسی، ۴۵ نفر (۲۶/۷۹ درصد) کارشناسی ارشد و ۸ نفر (۴/۷۶ درصد) دکتری بوده‌اند. مشارکت‌کنندگان با سابقه ۵ سال و کمتر ۳۳ نفر (۱۹/۶۴)، سابقه ۶ تا ۱۰ سال ۵۶ نفر (۳۳/۳۳)، سابقه ۱۱ تا ۱۵ سال ۳۹ نفر (۲۳/۲۱)، ۱۶ تا ۲۰ سال ۲۶ نفر (۱۵/۴۸) و بیشتر از ۲۰ سال ۱۴ نفر (۸/۳۳) بوده‌اند.

برازش مدل اندازه‌گیری

جهت بررسی مدل، ابتدا برای سنجش روابط متغیرهای پنهان با گویه‌های سنجش آن‌ها از مدل اندازه‌گیری (بیرونی) استفاده شده است. در پژوهش حاضر، در راستای برازش مدل‌های اندازه‌گیری از شاخص‌های بارعاملی شاخص‌ها، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای بررسی پایایی پژوهش بهره گرفته شده است. همچنین با استفاده از شاخص میانگین واریانس استخراج شده روایی همگرا و با استفاده از

شاخص فورنل لارکر روایی واگرا مورد ارزیابی قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای گویه‌های پرسشنامه مقادیر بارهای عاملی همه گویه‌ها به جز گویه‌های ۳۳، ۳۵ و ۴۰ بزرگتر از ۰/۴ بود. بنابراین در مرحله بعد این گویه‌ها حذف و سپس روایی بررسی گردید. همچنین شاخص‌های پایایی آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) باید مقداری بزرگتر از ۰/۷ را به دست آورد، تا بیانگر ثبات درونی سازه باشد و شاخص میانگین استخراج شده (AVE) به عنوان روایی همگرا باید مقداری بزرگتر از ۰/۵ باشد. با توجه به یافته‌ها روایی همگرا و پایایی آزمون مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد. برای سنجش روایی واگرا در پژوهش حاضر از آزمون فورنل-لارکر^۱ استفاده شده است. در روش آزمون فورنل-لارکر، جذر میانگین واریانس استخراج شده (AVE) هر متغیر پنهان باید بیشتر از همبستگی آن متغیر با سایر متغیرهای پنهان باشد.

جدول (۱): روایی واگرا بر حسب آزمون فورنل-لارکر

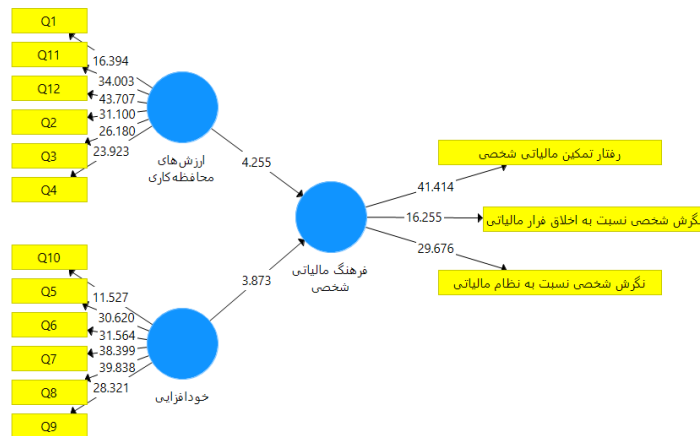
	محافظه‌کاری	خودافزایی	رفتار تمکین مالیاتی	نگرش به اخلاق فرار مالیاتی	نگرش به نظام مالیاتی
محافظه‌کاری	۰/۸۳۱				
خودافزایی	-۰/۷۶۹	۰/۷۹۶			
رفتار تمکین مالیاتی	۰/۵۷۴	-۰/۵۱۰	۰/۷۱۱		
نگرش به اخلاق فرار مالیاتی	-۰/۵۳۱	۰/۵۳۸	-۰/۴۳۷	۰/۷۹۴	
نگرش به نظام مالیاتی	۰/۵۶۰	-۰/۵۸۰	۰/۷۰۳	-۰/۵۱۲	۰/۷۳۴

نتایج آزمون روایی واگرا در جدول (۱)، نشان دهنده آن است که مقدار جذر واریانس استخراج شده (AVE) متغیرهای مکنون در پژوهش که در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند از مقدار همبستگی میان آنها در سایر خانه‌ها بیشتر است. از این رو می‌توان اظهار داشت که متغیرهای مکنون در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر و روایی واگرای مدل در حد مناسبی است.

برازش مدل ساختاری

اساسی‌ترین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری، معناداری ضرایب مسیرها است. مدل معادلات ساختاری برای فرضیه‌های اصلی در شکل ۲ ارائه شده است. در این پژوهش، به منظور بررسی برازش مدل ساختاری از شاخص‌های ضریب تعیین (R^2)، و استون-گایسر (Q^2) استفاده شده است.

1. Fornell-Larcker



شکل (۲) مدل معادلات ساختاری به همراه آماره های t (فرضیه‌های اصلی)

ضریب تعیین^۱ (R^2): ضریب تعیین قدرت توضیح دهنده مدل را نشان می‌دهد. مقادیر تعیین شده برای شاخص ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ است که به ترتیب دقت کم، متوسط و زیاد پیش‌بینی را نشان می‌دهد (چین، ۱۹۹۸). با توجه به جدول ۲، برازش مدل ساختاری در سطح متوسط و مطلوبی است.

جدول (۲). ضرایب تعیین و استون-گایسر

مدل	متغیرها	R^2	معیار استون-گایسر (Q_2)	شدت
اصلی	فرهنگ مالیاتی شخصی	۰/۴۷۶	۰/۲۹۳	متوسط
فرعی	رفتار تمکین مالیاتی شخصی	۰/۳۴۱	۰/۱۴۵	متوسط
	نگرش شخصی نسبت به اخلاق فرار مالیاتی	۰/۳۲۳	۰/۱۷۴	متوسط
	نگرش شخصی نسبت به نظام مالیاتی	۰/۳۶۸	۰/۱۷۰	متوسط

ارتباط پیش‌بین ۲ (معیار استون-گایسر (Q_2)): این معیار قدرت پیش‌بینی مدل در متغیرهای وابسته را مشخص می‌کند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها قادر خواهند بود تا تاثیر کافی بر شاخص‌های یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به درستی تأیید شوند. مقدار Q_2 باید در مورد تمامی سازه‌های درون‌زا محاسبه شود. سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی تعیین نموده‌اند. جدول (۲) نشان می‌دهد که که مدل از قدرت پیش‌بینی کنندگی متوسطی برخوردار است.

¹ Coefficient of Determination

² criterion of predictive relevance

آزمون برازش کلی مدل

معیار GOF مربوط به بخش برازش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. مقادیر ۰/۳۶ و ۰/۲۵، ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این معیار معرفی شده است. نتایج حاصله برای معیار GOF نشان از برازش قوی مدل پژوهش دارد.

$$GOF = \sqrt{Communtality \times R^2} = \sqrt{0.674 \times 0.476} = 0.566$$

$$GOF = \sqrt{Communtality \times R^2} = \sqrt{0.599 \times 0.344} = 0.454$$

ضریب شاخص ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده استاندارد شده (SRMR) در هر دو مدل کمتر از سطح معیار ۰/۸ است. در نتیجه، نتایج پژوهش در سطح ایده‌آل قرار دارند. در صورتی که مقدار (NFI) بالای ۰/۷ باشد، برازش مدل مناسب است. ضریب شاخص (NFI) برای مدل اصلی و فرعی پژوهش در سطح مطلوب ۰/۸۰۷ و ۰/۸۰۳ قرار دارد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش مدل معادلات ساختاری (SME) استفاده گردید که طبق جدول ۳، مقدار قدرمطلق آماره t برای تاثیر خودافزایی بر فرهنگ مالیاتی شخصی برابر با ۳/۸۷۳ و از ۱/۹۶ بیشتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، خودافزایی بر فرهنگ مالیاتی شخصی تاثیر دارد. مقدار ضریب مسیر برابر با ۰/۳۳۹- و منفی است، بنابراین خودافزایی بر فرهنگ مالیاتی شخصی تاثیر کاهشی دارد. بنابراین فرضیه اصلی اول را نمی‌توان رد نمود و می‌توان گفت: خودافزایی بر فرهنگ مالیاتی شخصی تاثیر منفی و معنی‌داری دارد. مقدار قدرمطلق آماره t برای تاثیر خودافزایی بر نگرش شخصی نسبت به نظام مالیاتی برابر با ۳/۰۶۱ و از ۱/۹۶ بیشتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، خودافزایی بر نگرش شخصی نسبت به نظام مالیاتی تاثیر معنی‌داری دارد. مقدار ضریب مسیر برابر با ۰/۳۶۵- و منفی است، بنابراین خودافزایی بر نگرش شخصی نسبت به نظام مالیاتی تاثیر کاهشی دارد. بنابراین، فرضیه ۱-۱ را نمی‌توان رد کرد و می‌توان گفت: خودافزایی بر نگرش شخصی نسبت به نظام مالیاتی تاثیر منفی و معنی‌داری دارد. مقدار قدرمطلق آماره t برای تاثیر خودافزایی بر نگرش شخصی نسبت به اخلاق فرار مالیاتی برابر با ۲/۸۸۴ و از ۱/۹۶ بیشتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، خودافزایی بر نگرش شخصی نسبت به اخلاق فرار مالیاتی تاثیر معنی‌داری داد. مقدار ضریب مسیر برابر با ۰/۳۱۶ و مثبت است، بنابراین خودافزایی بر نگرش شخصی نسبت به اخلاق فرار مالیاتی تاثیر افزایشی دارد. بنابراین، فرضیه ۲-۱ را نمی‌توان رد نمود و می‌توان گفت: خودافزایی بر نگرش شخصی نسبت به اخلاق فرار مالیاتی تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد. مقدار قدرمطلق آماره t برای تاثیر خودافزایی بر رفتار تمکین مالیاتی شخصی برابر با ۱/۴۹۸ و از ۱/۹۶ کمتر

است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، خودافزایی بر رفتار تمکین مالیاتی شخصی تاثیر معنی‌داری ندارد. بنابراین، فرضیه ۱-۳ رد می‌شود.

جدول (۳): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتیجه	آماره t	انحراف معیار	ضریب مسیر استاندارد شده	مسیر (فرضیه اصلی)
عدد م رد	۳/۸ ۷۳	۰/۰۸۷	-۰/۳۳۹	خودافزایی -> فرهنگ مالیاتی فردی
عدد م رد	۴/۲ ۵۵	۰/۰۹۳	۰/۳۹۴	ارزش‌های محافظه‌کاری -> فرهنگ مالیاتی فردی
نتیجه	آماره t	انحراف معیار	ضریب مسیر استاندارد شده	مسیر (فرضیه های فرعی)
عدد م رد	۳/۰ ۶۱	۰/۱۱۹	-۰/۳۶۵	خودافزایی -> نگرش شخصی نسبت به نظام مالیاتی
عدد م رد	۲/۸ ۸۴	۰/۱۱۰	۰/۳۱۶	خودافزایی -> نگرش شخصی نسبت به اخلاق فرار مالیاتی
عدد م رد	۱/۴ ۹۸	۰/۱۱۲	-۰/۱۶۸	خودافزایی -> رفتار تمکین مالیاتی شخصی
عدد م رد	۲/۵ ۵۹	۰/۱۰۹	۰/۲۷۹	ارزش‌های محافظه‌کاری -> نگرش شخصی نسبت به نظام مالیاتی
عدد م رد	۲/۳ ۵۸	۰/۱۲۲	-۰/۲۸۸	ارزش‌های محافظه‌کاری -> نگرش شخصی نسبت به اخلاق فرار مالیاتی
عدد م رد	۴/۴ ۴۰	۰/۱۰۰	۰/۴۴۴	ارزش‌های محافظه‌کاری -> رفتار تمکین مالیاتی شخصی

مقدار قدرمطلق آماره t برای تاثیر ارزش‌های محافظه‌کاری بر فرهنگ مالیاتی شخصی برابر با $4/255$ و از $1/96$ بیشتر است، بنابراین با اطمینان 95 درصد می‌توان گفت، ارزش‌های محافظه‌کاری بر فرهنگ مالیاتی شخصی تاثیر معنی‌داری دارد. مقدار ضریب مسیر برابر با $0/394$ و مثبت است، بنابراین ارزش‌های محافظه‌کاری بر فرهنگ مالیاتی شخصی تاثیر افزایشی دارد. بنابراین فرضیه اصلی دوم را نمی‌توان رد کرد و می‌توان گفت: ارزش‌های محافظه‌کاری بر فرهنگ مالیاتی شخصی تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد. مقدار قدرمطلق آماره t برای تاثیر ارزش‌های محافظه‌کاری بر نگرش شخصی نسبت به نظام مالیاتی برابر با $2/559$ و از $1/96$ بیشتر است، بنابراین با اطمینان 95 درصد می‌توان گفت، ارزش‌های محافظه‌کاری بر نگرش شخصی نسبت به نظام مالیاتی تاثیر افزایشی دارد. بنابراین، ارزش‌های محافظه‌کاری بر نگرش شخصی نسبت به نظام مسیر برابر با $0/279$ و مثبت است، بنابراین، ارزش‌های محافظه‌کاری بر نگرش شخصی نسبت به نظام مالیاتی تاثیر افزایشی دارد. بنابراین، فرضیه $1-2$ را نمی‌توان رد نمود و می‌توان گفت: ارزش‌های محافظه‌کاری بر نگرش شخصی نسبت به نظام مالیاتی تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد. مقدار قدرمطلق آماره t برای تاثیر ارزش‌های محافظه‌کاری بر نگرش شخصی نسبت به اخلاق فرار مالیاتی برابر با $2/358$ و از $1/96$ بیشتر است، بنابراین با اطمینان 95 درصد می‌توان گفت، ارزش‌های محافظه‌کاری بر نگرش شخصی نسبت به اخلاق فرار مالیاتی تاثیر کاهش‌دهنده دارد. بنابراین ارزش‌های محافظه‌کاری بر نگرش شخصی نسبت به اخلاق فرار مالیاتی تاثیر کاهشی دارد. بنابراین فرضیه $2-2$ را نمی‌توان رد کرد و می‌توان گفت: ارزش‌های محافظه‌کاری بر نگرش شخصی نسبت به اخلاق فرار مالیاتی تاثیر منفی و معنی‌داری دارد.

مقدار قدرمطلق آماره t برای تاثیر ارزش‌های محافظه‌کاری بر رفتار تمکین مالیاتی شخصی برابر با $4/440$ و از $1/96$ بیشتر است، بنابراین با اطمینان 95 درصد می‌توان گفت، ارزش‌های محافظه‌کاری بر رفتار تمکین مالیاتی شخصی تاثیر معنی‌داری دارد. مقدار ضریب مسیر برابر با $0/444$ و مثبت است، بنابراین ارزش‌های محافظه‌کاری بر رفتار تمکین مالیاتی شخصی تاثیر افزایشی دارد. بنابراین، فرضیه $2-$ را نمی‌توان رد نمود و می‌توان گفت: ارزش‌های محافظه‌کاری بر رفتار تمکین مالیاتی شخصی تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

چگونگی مشارکت مردم در تأمین درآمدهای مالیاتی، تا حد زیادی حاصل فرهنگ مالیاتی است. فرهنگ مالیاتی بخشی از فرهنگ ملی در سطح کلان است و توسط افراد شکل می‌گیرد و بیانگر نگرش و ارزش‌های مالیات‌دهندگان به همراه تصمیمات مقامات مالیاتی و نهادی در هر نظام مالیاتی است. ارزش‌های فردی نقش کلیدی در ایجاد انگیزه در افراد برای رفتار اخلاقی و رعایت قوانین مالیاتی دارند. بنابراین، فرهنگ مالیاتی فردی از فرهنگ مالیاتی در سطح کلان ناشی می‌شود و می‌توان آن را به عنوان ارزش‌های فرهنگی مالیاتی افراد در نظر گرفت که بر نگرش فرد نسبت به نظام مالیاتی، نگرش او نسبت به تمکین مالیاتی و نگرش او نسبت به اخلاق فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارد و آن را شکل می‌دهد. این تعریف از «فرهنگ مالیاتی فردی»، نظام مالیاتی، فرار مالیاتی و تمکین مالیاتی را به عنوان سنگ بنای

مدل مفهومی قرار می‌دهد. پژوهش حاضر با استفاده از مدل مفهومی ایجاد شده، به واکاوی رابطه بین ارزش‌های فردی خودافزایی، محافظه‌کاری و فرهنگ مالیاتی فردی پرداخته است.

نتایج آزمون فرضیه اصلی اول و فرضیه‌های فرعی آن نشان داد که خودافزایی تاثیر منفی و معنی‌داری بر فرهنگ مالیاتی فردی دارد (فرضیه ۱). همچنین نتایج نشان داد که ارزش‌های خودافزایی تاثیر منفی و معنی‌داری بر نگرش فرد نسبت به نظام مالیاتی (فرضیه ۱-۱) و تاثیر مثبت و معنی‌داری بر نگرش فرد نسبت به اخلاق فرار مالیاتی (فرضیه ۱-۲) دارد. با این حال، نتایج نشان داد که خودافزایی بر رفتار تمکین مالیاتی فردی تاثیر معنی‌داری ندارد (فرضیه ۱-۳). این یافته‌ها همراستا با یافته‌های پژوهش فلدمن و همکاران (۲۰۱۵)، پیف و همکاران (۲۰۱۲) و هاستک و همکاران (۲۰۲۳) است. فلدمن و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند که ارزش فردی خودافزایی منجر به رفتار غیراخلاقی می‌شود [۲۲]. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که ارزش فردی خودافزایی متعلق به ارزش‌های بسیار غیراخلاقی است و مفاهیم قدرت، ثروت و دستیابی به اهداف موفقیت منجر به رفتار غیراخلاقی بالاتر می‌شود. افرادی که ارزش بیشتری برای قدرت و موفقیت قائل هستند، فرهنگ مالیاتی فردی پایین‌تری دارند.

در مجموعه دوم فرضیه‌ها، رابطه بین ارزش فردی محافظه‌کاری و فرهنگ مالیاتی فردی و ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که ارزش‌های محافظه‌کاری بر فرهنگ مالیاتی فردی تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد. ارزش‌های محافظه‌کاری بر نگرش فرد نسبت به نظام مالیاتی (فرضیه ۲-۱) و همچنین بر رفتار تمکین مالیاتی فردی (فرضیه ۲-۲) تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد. در نهایت، ارزش‌های محافظه‌کاری تاثیر منفی و معنی‌داری بر نگرش فرد نسبت به اخلاق فرار مالیاتی دارد (فرضیه ۲-۳). این نتایج نشان داد که افرادی که دارای ارزش‌هایی مانند سنت‌گرایی، امنیت و سازگاری هستند، فرهنگ مالیات فردی بالاتری دارند. همچنین با افزایش اهمیت ارزش‌های سنت‌گرایی، امنیت و سازگاری در افراد نگرش آن‌ها نسبت به نظام مالیاتی مثبت خواهد بود و برداشت آن‌ها از عدالت نظام مالیاتی، بیشتر به سمت عادلانه بودن گرایش خواهد داشت. علاوه بر این، افرادی که ارزش‌های بیشتری برای محافظه‌کاری قائل هستند، نگرش آن‌ها نسبت به فرار مالیاتی اخلاقی‌تر است. همچنین افرادی که ارزش شخصی غالب آن‌ها محافظه‌کاری است، قوانین مالیاتی را بیشتر رعایت می‌کنند و وظایف مالیاتی خود را طبق سنت، قوانین و هنجارهای اجتماعی انجام می‌دهند. این یافته‌ها همراستا با یافته‌های فلدمن و همکاران (۲۰۱۵)، ساروگلو و همکاران (۲۰۰۴)، مورفی و بینگ (۲۰۰۲)، کابلی و همکاران (۱۳۹۹) و هاستک و همکاران (۲۰۲۳) است.

بر اساس نتایج به دست آمده، سیاست‌گذاران می‌توانند نگرش افراد نسبت به نظام مالیاتی و اخلاق فرار مالیاتی، رفتار آن‌ها و ارزش‌هایی که آن‌ها را برای اقدامات اخلاقی یا غیراخلاقی و تمکین مالیاتی ترغیب می‌کند، بهتر درک کنند. ایجاد یک فرهنگ مالیاتی مثبت در هر کشوری یک مسئله حیاتی است. اگر مراجع مالیاتی ارزش‌های افراد و نگرش آن‌ها نسبت به نظام مالیاتی را بدانند، می‌توانند یک سیستم مالیاتی متناسب، قابل فهم‌تر و شفاف‌تر برای مالیات‌دهندگان طراحی کنند و تمکین مالیاتی داوطلبانه را به سطوح بالای جدیدی ارتقا دهند. بر اساس نتایج پژوهش حاضر که نشان دهنده رابطه بین ارزش

شخصی خودافزایی و فرهنگ مالیاتی فردی است به سیاست‌گذاران توصیه می‌شود طراحی سیاست‌های مالیاتی را با توجه شاخص پایداری مالیات، آغاز کنند. علاوه بر این، سیاست‌گذاران باید معافیت‌های مالیاتی را به گونه‌ای اجرا کنند که حتی افرادی با درک بالاتر از ارزش‌های شخصی مانند قدرت و موفقیت، تمایل به همکاری با اداره مالیات و رعایت مقررات داشته باشند، که این امر رفتار مسئولانه مالیاتی آن‌ها را افزایش می‌دهد. سیاست‌گذاران با درک رفتار مالیات‌دهندگان و ایجاد یک رابطه متقابل می‌توانند حس عدالت در پرداخت مالیات را در جامعه ایجاد کنند. پایین بودن تلاش مالیاتی در ایران متأثر از نگرش مردم به این موضوع است. در حال حاضر تقویت فرهنگ مالیاتی و ایجاد نگرش مثبت در افراد نسبت به مسئله مالیات و سازمان امور مالیاتی می‌واند میزان مشارکت مردم در تامین مالیات به عنوان یک درآمد ملی را افزایش دهد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی رابطه بین دو گروه دیگر از ارزش‌های شخصی تعریف شده توسط شوارتز (۱۹۹۲)، یعنی گشودگی به تغییر و خودفراتریبینی مورد بررسی قرار بگیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به بررسی رابطه بین ارزش‌های شخصی شوارتز و فرهنگ مالیاتی شخصی در سازمان‌های دولتی با استفاده از تحلیل رگرسیون یا مدل سازی SEM پرداخته شود.

فهرست منابع

۱. خواجه‌وی، شکراله و کرمشاهی، بهنام. (۱۳۹۷). "پدیدار شناسی نقش نگرش فردی بر اخلاق مالیاتی و تمکین مالیاتی". *دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*. ۳ (۵)، ۱۸۷-۲۰۸.
۲. زارع بهنمیری، محمدحسن؛ رحیمیان امیری، محمدحسین و تیرگان، محمد. (۱۴۰۱). "اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی". *تحقیقات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران*، ۱۴ (۵۴)، ۲۰۲-۱۸۷.
۳. فولادیان، مجید؛ رضایی بحرآباد، حسن و گلی، منصوره. (۱۴۰۱). "بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ مالیاتی و راهکارهای ارتقای آن". *فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ*. ۱۵ (۵۹)، ۱۷۷-۱۴۳.
۴. کابلی، مونا سادات؛ رحمانی، علی؛ نیکومرام، هاشم و رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۳۹۹). "اثر بخشی ارزش‌های انگیزشی شوارتز و اخلاق حرفه‌ای حسابداری بر گزارشگری مالی متقلبانه". *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۷ (۶۶)، ۲۷-۵۰.

5. Bardi, A., & Schwartz, S. H. (2003). "Values and behavior: Strength and structure of relations". *Personality and social psychology bulletin*, 29(10), 1207-1220.
6. Batrancea, L. M., Kudła, J., Błaszczak, B., & Kopyt, M. (2022). "Differences in tax evasion attitudes between students and entrepreneurs under the slippery slope framework". *Journal of Economic Behavior & Organization*, 200, 464-482.

7. Chuenjit, P. (2014). "The culture of taxation: Definition and conceptual approaches for tax administration". **Journal of Population and Social Studies [JPSS]**, 22(1), 14-34.
8. Feldman, G., Chao, M. M., Farh, J. L., & Bardi, A. (2015). "The motivation and inhibition of breaking the rules: Personal values structures predict unethicality". **Journal of Research in Personality**, 59, 69-80.
9. Hlastec, A., Mumel, D., & Hauptman, L. (2023). "Is There a Relationship between Self-Enhancement, Conservation and Personal Tax Culture?". **Sustainability**, 15(7), 5797.
10. Hofmann, E., E. hoelzl, & E. kirchler. (2008). "preconditions of voluntary tax compliance: knowledge and evaluation of taxation, norms, fairness, and motivation to cooperate", **zeitschrift fur psychology**, 216(4), 209- 217.
11. Hofstede, G. (1984). **Culture's consequences: International differences in work-related values** (Vol. 5). sage.
12. Hofstede, G., & McCrae, R. R. (2004). "Personality and culture revisited: Linking traits and dimensions of culture". **Cross-cultural research**, 38(1), 52-88.
13. Janova, J., Hampel, D., & Nerudová, D. (2019). "Design and validation of a tax sustainability index". **European Journal of Operational Research**, 278(3), 916-926.
14. Khalil, S., & Sidani, Y. (2022). "Personality traits, religiosity, income, and tax evasion attitudes: An exploratory study in Lebanon". **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation**, 47, 100469.
15. Konstantinos, K., Lazaros, N., Panagiotis, D., & Ratten, V. (2022). **Sustainable entrepreneurship and marketing strategy: Exploring the consumer "attitude-behavioural intention" gap in the sport sponsorship context**. *Entrepreneurial Innovation: Strategy and Competition Aspects*, 53-61.
16. Korostelkina, I., Dedkova, E., Varaksa, N., & Korostelkin, M. (2020). "Models of tax relations: improving the tax culture and discipline of taxpayers in the interests of sustainable development". In **E3S web of conferences** (Vol. 159, p. 06014). EDP Sciences.
17. Mangoting, Y., & Sukoharsono, E. G. (2015). "Developing a model of tax compliance from social contract perspective: Mitigating the tax evasion". **Procedia-Social and Behavioral Sciences**, 211, 966-971.
18. McGee, R.W. (2012). **Four Views on the Ethics of Tax Evasion**. In: McGee, R. (eds) **The Ethics of Tax Evasion**. Springer, New York, NY.
19. McGee, R.W. & Noronha, C. (2008). "The Ethics of Tax Evasion: A Comparative study of Guangzhou and Macau Opinions (Southern China)". **Euro Asia Journal of Management**. 36(18), 133-152.

20. Murphy, K. (2002). **The Australian Tax System Survey of Tax Scheme Investors**. Canberra: Centre for Tax System Integrity, Research School of Social Sciences, The Australian National University.
21. Palil, M. R. (2010). **Tax knowledge and tax compliance determinants in self assessment system in Malaysia** (Doctoral dissertation, University of Birmingham).
22. Piff, P. K., Stancato, D. M., Côté, S., Mendoza-Denton, R., & Keltner, D. (2012). "Higher social class predicts increased unethical behavior". **Proceedings of the National Academy of Sciences**, 109(11), 4086-4091.
23. Roman, T., Marcu, N., Rusu, V. D., Doacă, E. M., & Siriteanu, A. A. (2023). "Tax Payment and the Performance of SMEs: A Longitudinal Analysis on EU Countries". **Sustainability**, 15(2), 927
24. Rickaby, M. A., Glass, J., & Fernie, S. (2020). "Conceptualizing the relationship between personal values and sustainability—A TMO case study". **Administrative sciences**, 10(1), 15.
25. Saroglou, V., Delpierre, V., & Dernelle, R. (2004). "Values and religiosity: A meta-analysis of studies using Schwartz's model". **Personality and individual differences**, 37(4), 721-734.
26. Schwarz, S. H. (1992). "Universals in the content and structure of values: Theoretical advances and empirical tests in 20 countries". **Advances in experimental social psychology**, 25, 1-65.
27. Schwartz, S. H. (2007). "Universalism values and the inclusiveness of our moral universe". **Journal of cross-cultural psychology**, 38(6), 711- 728
28. Schwartz, S. H. (2010). "Basic values: How they motivate and inhibit prosocial behavior. In M. Mikulincer & P. R. Shaver (Eds.)", *Prosocial motives, emotions, and behavior: The better angels of our nature* (pp. 221–241). American Psychological Association.



Individual Values of Self-Enhancement and Conservation, and Tax Culture

Zahra Masoumi Bilondi(PhD)

Assistant Professor of Accounting Department, Payame Noor University, Tehran, Iran

Nasrin Yousefzadeh(PhD)¹©

Assistant Professor of Accounting Department, Vali -e- Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran

(Received: December 23, 2024; Accepted: June 9, 2025)

Unethical tax behavior undermines the sustainability of tax systems. A deeper understanding of the factors influencing taxpayers' perceptions, personal values, and tax culture is essential. This study explores the relationship between individual values and personal tax culture as key determinants of tax behavior. The statistical sample of the research includes 168 financial managers and accounting staff working in the private sector of Khuzestan province in 2024, who were selected using the convenience sampling method, and the research hypotheses were tested using the structural equation modeling approach. The hypotheses were tested using Structural Equation Modeling (SEM). The results showed that individuals who prioritize self-enhancement tend to have a weaker personal tax culture, while those who place greater value on Conservation exhibit a stronger personal tax culture. Individuals whose dominant value is self-enhancement are more likely to engage in tax evasion and hold negative attitudes toward the tax system. Conversely, those who prioritize Conservation are less inclined to evade taxes and are generally more compliant with tax laws.

This research provides insights that could inform the development of more sustainable tax systems by enhancing the understanding of how personal values shape tax culture. Policymakers can use these insights to design tax systems that encourage greater compliance and fairness.

Keywords Tax Culture, Personal Values, Self-Enhancement, Conservation.

¹ n.yousefzadeh@vru.ac.ir © (Corresponding Author)